

خسارت تأخیر تأدیه

مورد تعهد ممکن است انجام امر یا خودداری از انجام امر یا پرداخت وجه باشد و این قسمت سوم یا موضوع معاملات استقراضی است اعم از اینکه وثیقه داده شده یا داده نشده باشد و یا موضوع معاملات با حق استرداد است بنابراین راجع به خسارت تأخیر تأدیه بهر دو قسمت جداگانه بحث میکنیم :

خسارت تأخیر تأدیه در معاملات استقراضی

معاملات استقراضی یا موضوع وام از شایع ترین انواع معاملات است و مسئله ربح یا سود پول ارتباط مستقیم با آن دارد.

خسارتی که در این مورد پرداخت میشود عبارت از وجهی است که در صورت تأخیر در رد دین از ناحیه بدهکار متخلف به بستانکار متعهدله تأدیه میشود و آنرا خسارت تأخیر تأدیه یا زیان دیر پرداخت مینامند.

پس خسارت تأخیر تأدیه نیز مبتلابه ترین قسمت احکام مربوط به خسارات است که در این مورد طبق ماده ۲۲۸ قانون مدنی «حاکم میتواند... مدیون را بجزبران خسارات حاصله از تأخیر در تأدیه دین محکوم نماید.» و همین موضوع در آئین دادرسی مدنی مقررات خاصی دارد که اجمالاً بیان خواهیم کرد.

مبنای قانونی خسارت تأخیر تأدیه عبارت از قوانین موضوعه است که پرداخت **اجرة المثل وجه نقد** را بعنوان خسارت تجویز کرده و اینک باختصار به مبانی مزبور اشاره و آراء دیوان کشور در این باب ذکر میشود.

۱ - قوانین موقتی اصول محاکمات حقوقی مصوب کمیسیون عدلیه مورخ ۲۶ رمضان و ۱۹ ذیقعدہ ۱۳۲۹ قمری در شق (۱) ماده ۱۹۸ خسارت تأخیر تأدیه را چنین بیان کرده است: « در صورتیکه مدعی به وجه معین باشد قیمت مدعی به عبارتست از وجه نقد مذکور در عرضحال بعلاوه خسارتی که از تعویق تأدیه آن تا روز اقامه دعوی برداین وارد شده است. »

۲ - قانون آزمایشی موسوم به « مواد راجع به ودایع و مواعد و خسارات » که بموجب ماده واحده مصوب ۲۷ بهمن ۱۳۰۵ مجلس شورای ملی بوسیله کمیسیون مجاز دادگستری در ۱۳۰۶ تصویب گردیده بود موضوع خسارت تأخیر تأدیه را پیشبینی کرده ولی میزان آنرا به تعرفه وزارت دادگستری محول نموده بود.

۳ - در قانون تسریع محاکمات مصوب ۳ و ۱۲ تیرماه ۱۳۰۹ خسارت تأخیر تأدیه طی ماده ۳۳ چنین قید شده بود: « مدعی حق دارد برای جبران خسارتی که از

خسارت تأخیر تأدیه

تأخیر تأدیه یا انجام تعهد و یا تسلیم مدعی به به‌او وارد شده یا میشود تقاضای جبران خسارت نماید. « و میزان آن طبق ماده ۲۶ چنین تعیین شده بود: « در دعاوی که موضوع آن وجه نقد است خسارت تأخیر تأدیه معادل صدی ۱۲ محکوم به است که از قرار هر سال تأخیر به نسبت مدت تأخیر... تا روز تأدیه حساب میشود. »

۴ - در جلد اول قانون مدنی مصوب کمیسیون تدوین قوانین از دهم دیماه ۱۳۰۶ تا اوایل سال ۱۳۰۷ که در جلسه ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۰۷ طی ماده واحده بتصویب مجلس شورای ملی رسیده است مقرراتی راجع به خسارت تأخیر تأدیه وضع گردیده است. ماده ۲۲۸ قانون مزبور میگوید: « در صورتیکه موضوع تعهد تأدیه وجه نقدی باشد حاکم میتواند مدیون را بجبران خسارت حاصله از تأخیر تأدیه دین محکوم نماید. » و همچنین ماده ۶۵۳ سود حاصله از قرضی را که تعبیر دیگر خسارت تأخیر تأدیه است چنین تجویز کرده: « مقرض میتواند بوجه ملزومی به مقرض و کالت دهد در مدتی که قرض بر ذمه او باقی است مقدار معینی از دارائی مدیون را در هر ماه و یا در هر سال بخود منتقل نماید. » و طبعاً وجود چنین و کالتی مجوز مطالبه دائن در صورت استتکاف مدیون خواهد بود.

۵ - در قانون ثبت مصوب ۲۶ اسفند ۱۳۱۰ و اصلاحی ۱۳۱۲ الی ۱۳۲۰ ضمن مواد مختلف و همچنین در آئین‌نامه‌های اجرائی مطالبه و وصول زیان دیرکرد تجویز شده است.

۶ - بالاخره در قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۲ شهریورماه ۱۳۱۸ با اصلاحاتی که تا ۱۳۲۴ بعمل آمده فصل مخصوصی با مقررات مشروح برای خسارت تأخیر تأدیه باز شده است.

با توجه بسوابق مذکور خسارت تأخیر تأدیه یک حق قانونی است که منابع متعدد موضوعه برای صحت و تحقق آن در قوانین ایران وجود دارد:

میزان خسارت تأخیر تأدیه

میزان قانونی خسارت تأخیر در تأدیه دین مطابق ماده ۷۱۹ آئین دادرسی مدنی صدی ۱۲ در سال است که دادگاه باید بهمان نسبت حکم صادر نماید. اولین قانونی که در آن میزان صدی ۱۲ برای ربح پول مقرر گردیده ماده الحاقیه به « قانون اجازه تأسیس مؤسسه رهنی از محل وجوه تقاعد » مصوب دهم آبانماه ۱۳۰۵ است که چنین مقرر داشته: « مأخذ هر وجهی که در سایر معاملات استقراضی مؤسسات و اشخاص بعنوان حق الحفاظه و مال الصلح و مال الاجاره معمول میباشد حداکثر آن صدی ۱۲ خواهد بود و محاکم عدلیه نسبت به مبالغی که علاوه بر میزان فوق قرار داده شود حکم نخواهند داد. »

و همین میزان است که در قوانین بعدی تکرار شده و تسجیل گردیده است. گرچه در بعضی از قوانین صدی ۱۵ و صدی ۱۸ نیز اسم برده شده ولی طبق سیره و رویه محاکم بیشتر از صدی ۱۲ رأی داده نشده است.

خسارت تأخیر تأدیه

خسارت تأخیر تأدیه ممکن است در ضمن قرارداد بین طرفین به مبلغ معینی قطع شود که آنرا وجه التزام نامیده اند. در این مورد در قوانین ما دو حکم مختلف وجود دارد:

یکی منطوق صریح ماده ۲۳۰ و ماده ۶۵۳ قانون مدنی است که طبق ماده اولی « اگر در ضمن معامله شرط شده باشد که در صورت تخلف، متخلف مبلغی بعنوان خسارت تأدیه نماید حاکم نمیتواند او را به بیشتر یا کمتر از آنچه که ملزم میشده است محکوم نماید. » و طبق ماده دومی بستانکار حق دارد آنچه قبلاً مورد توافق وی با بدهکار بوده است از وی اخذ نماید.

دیگری صراحت ماده ۷۱۹ آئین دادرسی مدنی است که مقرر داشته که اگر علاوه بر صدی ۱۲ « قراردادی بعنوان وجه التزام یا مال الصلح یا مال الاجاره و بهره عنوان دیگری شده باشد در هیچ مورد بیش از صدی دوازده در سال... حکم داده نخواهد شد لکن اگر مقدار خسارت کمتر از صدی دوازده معین شده باشد بهمان مبلغ که قرار داده شده است حکم داده میشود. »

گرچه مواد ۲۳۰ و ۶۵۳ قانون مدنی بهیچ عنوانی قابل تأویل نیست و مواد مزبور زاید بر میزان صدی ۱۲ را تجویز کرده است و تناقض ماده ۷۱۹ آئین دادرسی مدنی با مفاد آن دو ماده روشن است ولی آراء پیشمار دادگاهها و سیره محاکم و عمل دوا بر اجراء و بالاخره رویه قضائی این نتیجه را که خسارت تأخیر تأدیه همان صدی ۱۲ است. اما باید باین نکته نیز توجه داشت که وجه التزام مقرر در قرارداد که موضوع آن تعهد باشد نه وجه نقد در این صورت تخلف از تعهد موجب استحقاق وجه التزام مزبور است و در این مورد وجه التزام از مقوله زیان دیر کرد (تأخیر تأدیه دین) نیست تا مشمول ماده ۷۱۹ باشد بلکه دین و تعهد مستقل است و تابع مقررات مربوط بالزامات و تعهدات میباشد.

بنا بر مراتب حکم قطعی در این مورد مربوط به ملاحظه دقیق عقود واقعه و قراردادهای تنظیمی بین اصحاب دعوی است و بر قاضی قضیه است که تشخیص دهد آیا وجه التزام مقرر مربوط به تعهد یا دین است که اگر راجع بتعهد باشد قابل مطالبه و استرداد و اگر مربوط به دین باشد بیش از صدی ۱۲ قابل مطالبه نیست.

موضوع صدی ۱۲ در آراء دیوان کشور تسجیل و تأیید شده است و اینک برای نمونه چند رأی ذکر میشود:

حکم شماره ۶۲۹ - ۲۱/۲/۳۱ شعبه ۴ - « مطابق ماده ۷۱۹ قانون آئین دادرسی مدنی در دعوائی که موضوع آن وجه نقد است خسارت تأخیر تأدیه معادل صدی ۱۲ محکوم به در سال است و اگر علاوه بر این مبلغ قراردادی بهره عنوان شده باشد در هیچ مورد بیش از صدی ۱۲ در سال نسبت بمدت تأخیر حکم داده نخواهد شد. »

حکم شماره ۳۶۵۶ - ۱۹/۱۰/۳۰ شعبه ۱ - « میزان خسارت تأخیر تأدیه

خسارت تأخیر تأدیه

در هر سال بموجب ماده ۷۱۹ قانون آئین دادرسی مدنی صدی دوازده معین گردیده و تجاوز از آن موجب نقض خواهد بود. «

با این وصف ملخص حکمی بشماره ۵۹۴۹ - ۲۴۶ مورخ ۱۵ خرداد ۱۳۱۰ در صفحه ۶۷ از رویه قضائی عبده دیده شد که در آن خسارت تأخیر تأدیه صدی ۱۸ تجویز شده است و چون تاریخ صدور آن ۱۳۱۰ است و در آن موقع ماده الحاقی ۱۳۰۵ و ماده ۳۶ قانون تسریح محاکمات مورد عمل بوده است و در هر دو قید شده که نباید خسارت تأخیر تأدیه بیش از صدی دوازده باشد ملک و مستند رأی مزبور معلوم نگردیده و ظاهراً صحیح بنظر نمیرسد.

خسارت تأخیر تأدیه در مورد معاملات با حق استرداد - معاملات با حق

استرداد یعنی معاملات شرطی و رهنی و با حق اختیار فسخ که در ماده ۲۳ قانون ثبت و ماده ۲۴ اصلاحی ۱۳۲۰ قانون مزبور انواع آن شمرده شده است از لحاظ ماهیت همان بیع شرح است که در ماده ۴۵۸ قانون مدنی چنین تعریف شده: «در عقد بیع متعاملین میتوانند شرط نمایند که هر گاه با بیع در مدت معین تمام مثل ثمن را به مشتری رد کنند خیار فسخ معامله را نسبت به تمام بیع داشته باشد.»

این نوع معاملات نیز فوق العاده رایج و متداول است و شامل دو نوع عمده میباشد یعنی یا بیع به تصرف مشتری خیار داده شده و یا داده نشده است.

در صورتیکه بیع در تصرف متعامل باشد حق مطالبه خسارت تأخیر تأدیه ندارد چنانکه متعامل هم حق مطالبه اجرة المثل عین ندارد ولی در صورتیکه بیع در تصرف متعامل باشد متعامل حق مطالبه خسارت تأخیر تأدیه را دارد و میزان آن طبق ماده ۳۶ قانون ثبت صدی ۱۲ و ابتداء آن از روز انقضای مدت خیار است.

اینک چند رأی دیوان کشور در این مورد ذکر میشود:

حکم شماره ۳۶۶ - ۳۳۲/۲۷ شعبه ۱ و حکم ۱۲۴۶ - ۱۶/۶/۱۱ شعبه مزبور بر طبق دستور صریح ماده ۳۸ معطوف به ماده ۳۳ و ۳۴ قانون ثبت اسناد که وضعاً مؤخر از قانون تسریح میباشد دادگاهها مکلفند در مورد معاملات با حق استرداد نسبت به اجور (خسارت تأخیر تأدیه) از همان روز انقضای مدت خیار حکم صادر نمایند. «

حکم شماره ۳۲ - ۱۸/۱/۵ شعبه ۳ - حکم شماره ۴۷ - ۱۸/۱۰/۸ شعبه ۱ - حکم شماره ۵۷۶ - ۱۸/۳/۱۹ شعبه ۴ - «بایع شرطی غیر متصرف محکوم به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه نمیشود.»

پس بطور کلی و با توجه به مواد قانون ثبت و آراء دیوان کشور خسارت تأخیر تأدیه در معاملات با حق استرداد ناظر به مواقعی است که مورد معامله در دست انتقال دهنده باشد و اگر عین مبیعه به تصرف مشتری داده شود خسارت تأخیر علاقه نمیگیرد چنانچه عمل متعاملین بر این بوده است که منافع عین ملک در قبال فرع اصل وجه محسوب شود.